



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۹۰

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه سه شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۱۱ - ۲ صفر ۱۳۰۱

قیمت اشتراك سالانه داخله ۱۰۰ تومان
 خارجه ۱۲۰ تومان
 يك شماره يك تومان

مطبعه مجلس

۰۰۰۱۴۰۰

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۱۱ هـ (۲ صفر ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس.
- ۲) تصویب یک فقره مرخصی.
- ۳) شور اول عهدنامه حکمت بین ایران و ترکیه.
- ۴) تصویب عهدنامه بین ایران و ترویز.
- ۵) تقدیر چند فقره لایحه از طرف آقای ممدان وزارت مالیه.
- ۶) شور و تصویب لایحه اجازه برآمد املاک قرام با لاک خالصه.
- ۷) بقیه شور لایحه مجازات مرتکبین قانون اجناس متوجه.
- ۸) اعلام وصول لایحه ترغیب برودج ۱۳۰۹ مجلس.
- ۹) بولغ و دستور جلسه پند - ختم جلسه.

مجلس يك ساعت و نيم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۵ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ##

۱- تصویب صورت مجلس

ولیس - وقتی که صورت مجلس قرائت شد اکثریت بوده که بنده تصویب آنرا اعلام کنم حالا اگر نظری نیست صورت مجلس را تصویب شده فرم کنیم (صحیح است) ولیس - خبری از کیسیون عراض و مرخص رسیده است قرائت میشود:

۲- تصویب يك فقره مرخصی

خیر مرخصی آقای اقبال نماینده محترم آقای اقبال بواسطه كسالت شدید و گرفتاریهای

ولیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - قبل از دستور

ولیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - قبل از دستور

ولیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد -

خیر) ولی هنوز کویا نمیتوان رأی گرفت عده برای

تصویب کافی نیست

عین مذاکرات مشروح نودمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵) درباره تند تویسی و تقرر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان: آفتابانی - معیط

غائبین بی اجازه - آقایان: تیمور تاش - حاج میرزا حبیب الله ابن - دکتر امیراطم - فرونی - طابلسان - دکتر لسان

کاشی - وهنا - عبدالحمید خان دیا - حکمت

دیر آمده بی اجازه - آقای ایروانی

مجلس تقاضای ۵۸ روز مرخصی از تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۰ نموده و مبلغ دو هزار و هشتاد ریال از مقرری ایندهد ترا همسرصفه جوئی بودجه ۱۳۱۱ مجلس مقدس استخسان داده اند - کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینکه خبر آنرا تقدیم میبارد :

رئیس - منظور این است که از نصف حقوق خودشان در این مرخصی صرف نظر کرده اند. آقایان که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) **صوب شد**

[۳ - شود اول عهدنامه حکمت بین ایران و ترکیه]
رئیس - خبر کمیسیون خارجه راجع به لایحه حکمت و اصلاح امور قضائی و اختلافات بین ایران و ترکیه رسیده است قرائت میشود :

خبر کمیسیون :
کمیسیون امور خارجه لایحه دولت را راجع به عهدنامه حکمت بین ایران و ترکیه با حضور آقای وزیر امور خارجه مورد بحث قرار داده و موافقت نموده است

رئیس - در تاریخ هفتم ماه مه ۱۹۲۰ مطابق با هیجدهم اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی بین نمایندگان ایران و نروژ امنا شده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آفت را بدولت میدهد.

رئیس - درمواد ۲ تا ۲۵ است هیچگونه اعتراضی نیست؟ (گفتند - خیر) در کلیات قانی هم اعتراضی نیست: (خیر آری) میکیریم بماده واحده آقایانیکه بماده واحده موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. لایحه راجع بر تیریک چاقق **رئیس کل تجارت** - اجازه بمقام آیدقانی معاون وزارت مالیه يك لایحه فوری دارند. ممکن است آن مقدم باشد بعد این مطرح شود.

[۵ - تقدیم چند فقره لایحه از طرف آقای معاون وزارت مالیه]
معاون وزارت مالیه - چند فقره لایحه است که تقدیم میکنم یکی راجع به دو فقره اعتبار که به بهاری در بودجه نوشته شده است و چون تسمیر آن با لیره قانونی پیدا میکند تقاضا شده است که این اصلاح بودجه اش را تصویب فرمایند. یکی هم برای این است که خالصجات

مجلس تقاضای ۵۸ روز مرخصی از تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۰ نموده و مبلغ دو هزار و هشتاد ریال از مقرری ایندهد ترا همسرصفه جوئی بودجه ۱۳۱۱ مجلس مقدس استخسان داده اند - کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینکه خبر آنرا تقدیم میبارد :

رئیس - تصویب شد. در مواد هم با بطوریکه عرض کردم اعتراض رسیده است آقایان که باورود در شور دوم

زها را در دولت به بعضی از رعایا مجاز باشد و بشود بفروشد برای اینکه خودشان نتوانند آباد کنند. يك لایحه هم هست برای فروش خالصجات خوار برعبای آنجا و دیگر لایحه برای مدتی که مستخدمی مرضی میشود برای پرداخت حقوق آن مستخدم و لایحه دیگری هم برای خرید يك فابریق برای اداره کورک است به مبلغ ده هزار ریال. يك لایحه دیگری هم برای اعتباری است که برای ایبار خواسته شده است که از فروش چغنی يك میانی برای ساختمان ایبار و روست دادن با بارغله که کنجایش مقداری چغنی برای آتوقه یکسال داشته باشد تهیه شود

خبر کمیسیون :
کمیسیون امور خارجه لایحه دولت را راجع به عهدنامه مودت و فرار داد تجارت و بحریهائی بین دولین ایران و نروژ با حضور آقای وزیر امور خارجه مورد بحث قرار داده ماده واحده ذیل را در شور دوم نیز تصویب و به مجلس شورای ملی تقدیم میبارد.

رئیس - در تاریخ هفتم ماه مه ۱۹۲۰ مطابق با هیجدهم اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی بین نمایندگان کان ایران و نروژ امنا شده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آفت را بدولت میدهد.

رئیس - فراتت میشود
ساحت محترم مجلس شورای ملی چون دولت مقننی داشته است که علاقه آب و خاکي آقای میرزا ابراهیم خان قوام از شیراز به نفاذ دیگر مملکت انتقال یابد ماده واحده ذیل را بقید دو فوریت تقدیم و تصویب آنرا تقاضا نمیدانم :

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که لایحه فوری را تصویب فرماید
ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که لایحه فوری را تصویب فرماید
ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که لایحه فوری را تصویب فرماید

معاون وزارت مالیه - بل
[۶ - طرح و تصویب اجازه مبادله املاک قوام با املاک خالصه]
رئیس - قرائت میشود

معاون وزارت مالیه - بل
[۶ - طرح و تصویب اجازه مبادله املاک قوام با املاک خالصه]
رئیس - قرائت میشود

معاون وزارت مالیه - بل
[۶ - طرح و تصویب اجازه مبادله املاک قوام با املاک خالصه]
رئیس - قرائت میشود

معاون وزارت مالیه - بل
[۶ - طرح و تصویب اجازه مبادله املاک قوام با املاک خالصه]
رئیس - قرائت میشود

و باید محصول آنجا ضبط شود و اگر تأخیری در اینکار بشود چون محصول آنجا نریزک و کندم است تمام میشود و چیزی بدست نمیآید یعنی مأمورین مالی باید آنها را متصرف شوند و محصول را ضبط کنند باین جهت تقاضای فوریت شده است.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده عقیده ام این است که حاصل طور که

آقای دشتی فرمودند عقیده دارم که این لایحه چون برای

اولین دفعه است و ملاحظه عدل میشود خوبست آقایان

اجازه بدهند که بیشتر درش مطالعه بشود. يك فوریتش

را اشکال ندارد تصویب کنیم که در واقع يك شوری شده

باشد و يك مرتبه بکمیسیون برود این جا آقای معاون

وزارت مالیه دلیل را که آوردند برای فوریت و محصول

را فرمودند این هم اشکال ندارد امسال هم به ترتیبی که

عمل شده است بشود و ما از سال آتی عمل کنیم که اگر

عایدی و قیمت آنها يك چیز است که در کمیسیون

که برود ممکن است يك اطلاع درش پیدا شود باینجه

بنده موافقم که يك فوریتش در مجلس تصویب شود و يك

فوریت دیگرش بعد بکمیسیون قوانین مالیه ارجاع شود و

بعد بیاید بمجلس

رئیس کل تجارت - اجازه میفرمائید

رئیس - میفرمائید

رئیس کل تجارت - عرض کنم این مسئله بیادله

يك چیزی است که برترشی طرفین یعنی دولت و آقای قوام

واقع شده است و عقیده بنده دریکر نابینستی میاحداث

مفضل دانسته باشد. و بنده نظر به مصلحت فوریت این است

تقاضا کرده است اگر آقایان اعتماد بدولت دارند باید

تقاضای دولت را بپذیرند و اگر آقایان اعتماد ندارند که آن

قریب دیگری دارد این بیادله نظار دارد باید تصدیق

میفرمائید که این قبیل مسائل را دولت صلاح و مصلحت

اینجا و هر لایحه که شما آوردید بدون بحث رأی بدهیم

ما البته بدون اعتماد داریم ولی مجلس شورای ملی برای

بحث استماع اولین دلیل شد که چون شما اعتماد بدولت

دارید باید بحث کنید اینکه نیشود آقا مجلس شورای

ملی علت غایبش این است که ما بمطالب توجه کنیم

و بحث کنیم آقا و بنده هم بهیچوجه موافق با این نیستیم

یعنی منتظر نبودم که بکنفر مثل آقای بسالی این فرمایش را

فرمایند برای اینکه ایشان خودشان پارلمانها هستند و بنده

از این حرف خیلی تعجب میکنم !! شما اگر دلایل فوریت

دارید بگوئید باین دلیل باین دلیل ما این را

فوری تقاضا کرده ایم و اگر تأخیری پیدا شد برای

ملکت ضرر هائی دارد و اگر این دلیل را ندارید چه

بند را در باره بماند سه شنبه هم مجلس خواهد بود آنوقت

بعد از مطالعه مطرح شود تا بکشنبه هم ضرور نمیکنم

ضرر عمده بمملکت برسد (یکی را نامیدند) پنج شنبه

هم میشود آقا) خوب روز پنجشنبه میشود دیگر بهر

پنجشنبه مطرح میشود دیگر از سه شنبه تا پنجشنبه

بنده تصور نمیکتم که صدعائی باین سطح معاملات وارد

بیاید بنده خیال میکنم که آقایان نمایندگان صد درصد با

اصل این لایحه موافق باشند و همه ما هم موافقم

(سبح است)

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده تعجب میکنم که آقایان میگویند

با اصل لایحه صدی صد موافقم ولی با فوریتش مخالفم

لواحی که البته قابل بحث است يك لواح همی است

لواح تجاری است لواح اعتباری است لواح مالی است لکن

این طبق بیادله است يك بیادله ملك بملك است چون در وقتون

امس تصریح شده است که املاک دولتی را وقتی که

انتقال میدهند باید با تصویب مجلس شورای ملی باشند

این است که این لایحه هم آمده است بمجلس که در این

بیادله دولت اجازه داشته باشد پس در اصلش حقیقه وقتی ما

موافق هستیم دیگر در فوریتش چه اشکالی دارد بنابر این

فوریت رأی میدهم بعد در عاده بحث میکنم صحبت

میکنیم و اگر اشکال هست اصلاح میکنم لکن دولت

لا بد يك سیاستی داشته است که فوریت این لایحه را

تقاضا کرده است و شاید هم مقصودش بیادله آن سیاست

در مجلس اظهار شود از این جهت بنده عقیده ام این است

که اجازه بدهید وارد اصل قضیه بشویم آنوقت اگر

اشکالی دارید بفرمائید

رئیس - آقا بانیکه با فوریت اول موافقتند قسام

فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است.

آقای وثوق

وثوق - بنده موافقم.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - آقای مؤید احمدی استدلال وارونه میکند

میگوید در اصل لایحه که موافقم در فوریت مخالفم پس

فوریت رأی بدهیم آنوقت در اصل لایحه صحبت نکنیم

بنده باینجه موافقم صحبتی ندارم در لایحه بکنم وقتیکه

آمد خود را مسمم میکند که بی ربط سخنان کند و بی ربط

موافقت کند اینطور میشود ملاحظه بفرمائید استدلال

آقای مؤید احمدی را میگویند در فوریت لایحه که مخالفید

رای بدهید آنوقت در اصل لایحه که موافقتد مخالفت کنید

این است استدلال ایشان.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - اظهار آقای دشتی عیناً بر میگردد

بقرودان که میفرمائید با لایحه موافقم ولی با فوریتش

مخالفم.

رئیس - مخالف دیگری نیست ؟ خیر آقایان که فوریت

ثانی را تصدیق میکنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مادامه احدی با يك دیگر قرائت

نمیکند و رای میگیرم

(بترتیب سابق قرائت شد)

ولیس - مذاکره در ماده واحده است. آقای افسر افسر - بنده این عرض را که میکنم چون اطلاع کافی از طرف ندادم نمیخواهم استفاده کرده باشم ولی میخواستم سؤال بکنم و بک نک توضیح داده شود که در رای دادن فقط با اعتماد دولت تنها نباشد خودم هم از زوری اطلاع رای بدهم یعنی حقیقه ایمن آورده باشم اینجا نوشته است املاک را عایدی بیامدی باید برار کرد اصلاحه آقایان میداند که املاک مالکیت ما اینطور نیست که همه عایداتش باید بیکدیگر متناسب باشد املاک کاشان معلوم نیست که صدی هشت پیشتر عایدی داشته باشد در سستان صدی پنج در خوار چون نمیدانم اظهار عقیده نمیکند در جنوبهم اطلاعی ندارم و بالاخره نمیشود عایدی بماندی فرض کرد عرض میکنم بالاخره اینها را اگر قیمت کنیم در معامله بود در مقابل نهزاست اما عایدی بیامدی اشکان دارد بنابر این در این معامله ممکن است دولت مقبول شود و یا ممکن است آقای قوام مقبول شود ولی بالاخره این معامله که بمتوان عایدی باشد ابتدا موافق نیست ولایاتش با هم فرق دارد بک جا صدی شش عایدی دارد بک جا صدی بیست و پنج این را درست به بنده بفرمایند که علت اینکه این را رجب داده اید بر قیمت املاک چیست.

ولیس کل تجارت - درست بنده خاطرم نیست که چه املاکی است ولی آنچه نظر هم هست در نیشابور یا جاهای دیگر خالصه های مهم است در مراحل آنچه که دولت در نیشابور خالصه داشته است طرف این معامله قرار داده است گویا عایدیش که اجاره بوده است در سال ۲۵ هزار تومان بود در مراحل اینکه در اینجا فرمودند که چه شده است عایدی ملک را در نظر گرفته اند نه قیمت جنس را نه اینکه ملک هم در نظر گرفته نشده باشند متناهی به تناسب عایدی قیمت هر ملک را در هر موقع مقبول میکنند و بک ملاک تقویم پیش هر خبره و پیش هر قومی عایدی این ملک است در هر ملک به تناسب خودش در

نیشابور ممکن است بک املاک مزدوری باشد که عایدیش هم کم باشد ولی به تناسب همان عایدی معامله میکنند و قیمت مقبول میکنند بقا بر این بک املاکی بیک تناسی عایداتی دارند مقوم و خیر هم عایدیش را حساب میکنند در صورتی بدون جلب نظر مقوم و خیر ما این معامله معامله بعمل نخواهد آمد بنده تصور میکنم آقایان تصدیق بفرمایند که آقای وزیر عالییه از نقطه نظر سرفه جوئی خیلی در این مسائل دقیق هستند و آقای قوام هم البته که خودشان بک طرف معامله هستند سرفه خودشان را ملاحظه خواهند کرد بنابر این بنده تصور میکنم دیگر کلماتی در کار نباید باشد زیرا وقتی که تراشید نکات حل میشود

بالاجرا خواهد بود.

ولیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم اشکالی را که در لایحه داشتیم همین نظری بود که آقای افسر فرمودند توضیح کافی داده اند عایدی بیامدی این البته در قسمت نقد فرق میکند ولی در قسمت جنس فرق میکند زیرا قیمت جنس در هر نقطه مختلف است و متفاوت است این چه طور عمل میشود باچه ترتیبی عمل میشود این را خوب بود توضیح میدادید که مقصود چیست

معاون وزارت مالیه - برای اینکه دولت در نظر داشته است که این کار زودتر انجام شود اقدام به تقویم کرده است و البته آقای قوام هم مایل بودند باین کار املاک آقای قوام در چند بلوک مختلف است و عایدات اینها و قیمتشان و اینکه آبی هستند یا دیمی هستند تمام تحقیقات بعمل آمده و با این ملاحظاتی که شده و این املاک که در عرض باشند اینها داده میشود در یک نقطه مقبول نیست از چند نقطه نظر است که برای همین تقویم که مقبول نمیدانم تعادل میکند عایدی بیامدی و البته در این نقاط رعایت تفاوت قیمت هم شده است.

ولیس - آقای دیبا**دیبا** - بنده با لایحه موافقم و دولت در اطراف این

معاذ الله از مدتی به نظر طرف وارد مذاکره کرده است و با تراشی طرفین آقای قوام هم راضی شده اند ولی این ماده واحده مقید است بنده بک قسمی دارد که باید اصلاح شود و آن این است که ذکر کرده است که این تقویم را یکی باید بکند و باید مقبول شود که این تقویم را وزارت مالیه یا هیئت وزراء تعیین کنند البته در خود ماده واحده ایستنی تصریح شود و عقیده بنده این است که در ماده بصورت تیسره نوشته شده است و راجع بیامدی در اینجا فقط راجع بیامدی نوشته شده قیمت ملک هم بیامدی مقبول انده بلکه با عمل وضو نیست آن ملک است مثلا ممکن است در شیراز بک ملک هزار تومان عایدی داشته باشد ولی ممکن است بیست هزار تومان قیمت داشته باشد و البته نسبت به وضو هم عمل قیمت املاک متفاوت است چون در اینجا نوشته است آن هزار تومان این عمل هم هزار تومان و بقدمتی بنده بیک ترتیبی باید اصلاح کرد که عوائد مطابق نباشد زیرا ممکن است که بشود دولت باشد و از طرفی هم ممکن است ضرر طرف دیگر باشد بنده بک پیشنهادی هم تقدیم کرده ام این است عرض بنده.

ولیس کل تجارت - مطابق توضیحاتی که آقای معاون دادند مطلب این است که دولت عوائد املاک خالصه که در نقاط مختلفه دارد و عوائد املاک ایشان را در نقاط مختلفه قریب با تفاوت صورت ظاهری این املاک تصدیق نموده و تحقیقاتی که از اهل محل شده است دقت کرده اند و مستحیبه اند و بررورد کرده اند و معامله شده است و بقدمتی بنده دیگر احتیاجی ندارد باینکه مقوم مقبول شود زیرا قبلاً تمام این عملیات شده است که هیچ ضرری متوجه ایشان نشده باشد و همچنین متوجه دولت و تصور میکنم که منظور آقایان همین شده باشد و با این مقدمات البته کار لا ینق طرفین بوده است

ولیس - آقای مؤید احمدی

طریق احمدی - عرض میکنم که این جواب آقایان مایل و آقای معاون وزارت مالیه در جواب فرمایش

۲- بله شور لایحه مرتکبین قچاقی اشیاء ممنوعه مجلس - داده دوم لایحه مجازات مرتکبین قچاقی اشیاء ممنوعه فرانت میشود.

ماده دوم - اجناس مذکور در ماده اول که در ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اعلان صورت آنها بداره کل تجارت با مالباستانان آن اداره تحویل نشده باشد و همچنین اجناسیکه صورت آن داده شده ولی در مدت یکسال از تاریخ انتشار بفروش نرسیده و در ظرف یکماه پس از انقضای مدت مزبور بپرا کز فروش دولتی تحویل نگردیده باشد در حکم قچاقی بوده و بنفع دولت ضبط میشود.

مهمبر - اجازه مینماید لازم است بواسطه اصلاحی که در ماده اول شد در اینجایم عبارت در مدت یکسال از تاریخ اعلان ببدل بشود به تا آخر اسفند ۱۳۱۱ چون در ماده اول این اصلاح شد و مدت تا آخر اسفند ۱۳۱۱ تصویب شد اینجا هم تبویب شود.

ولیس - نظر دولت هم همین است ؟

ولیس کل تجارت - بله

ولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده میخواستم يك توضیحی بخواهم این اجناسیکه مذکور در این ماده است که تا دو ماه صورتش داده نشده باشد و یکبار به فروش نرسیده باشد و در ظرف یکسال بپرا کز فروش حاضر نشود و البته مقصود اجناسی است که برای فروش باشد بر آن ممکن است همین اجناس برای فروش نباشد اجناس ممنوعه را بخواهد ببرد توی خانه اش استعمال کند البته هر جا اجناس ممنوعه دیده شود قچاقی است معنی ندارد این باید بطوری تصریح شود که اجناسی که میخواهند برای فروش بگذارند باید ضبط شود والا اگر آن اجناس ممنوعه برای فروش نباشد مثلاً میل است توی امپاتس گذارده است چه عیب دارد این باید تصریح شود که معلوم شود شامل آنها نمیشود.

مهمبر - عرض کنم این نظر آقای دکتر در این ماده تأمین شده است توجه بفرمایند در ماده دوم نوشته شده است اجناس مذکور در ماده اول که در ظرف دو ماه از تاریخ

انتشار اعلان صورت آنها بداره کل تجارت یا نمایندگان آن اداره تحویل نشده باشد و همچنین اجناسیکه صورت آنها داده شده ولی در مدت یکسال از تاریخ انتشار بفروش نرسیده و در ظرف یکماه پس از انقضای مدت مزبور بپرا کز فروش تحویل نگردیده باشد در حکم قچاقی بوده و بنفع دولت ضبط میشود. این مقصود همان اجناسی است که در ماده اول ذکر شده و دولت همین کرده یعنی اداره تجارت هم اعلان خواهد کرد این اجناس ممنوعه است و در اینجا هم منظور آن اجناس است و این منظور در ماده هم صراحت دارد مینویسد اجناس مذکور در ماده اول که تمام اجناسی که مردم دارند و حتی آن کلمه تجاری هم اضافه شده است نوشته شده است (برای فروش تجارتی نگاه دارند) این موثر است که برای کسیکه اجناسی را در خانه دارند نیست بلکه مقصود برای فروش است.

ولیس - آقای دنیا

طاهری - آقای دنیا

با فرمایشی که آقای دکتر طاهری فرمودند ولی جوابی که آقای غیر دادند کافی نیست بنده مقصودم این است بهای تصویب این قانون یکسال که گذشت باید اجناس ممنوعه را تحویل بدهند بپرا کزری که دولت مقرر داشته است خوب بدیسی است که بعد این اجناس را مردم نتوانند خریدند مثلاً آئینه قندی چهل چراغ از اشیاء ممنوعه است دولت اعلان کرد و مردم هم بفروش رسانند بعد از یکسال يك کر در کتری خریده است و بعد از دو سال بکفر نتایج شد این آئینه قندی را آورد و فروخت و يك ساری آورد در يك دکان خودش او وقت ما مورین دولت خواهند گفت این از اشیاء ممنوعه است و باید ضبط شود و در حکم قچاقی است این باید در ماده تصریح شود که دیگر شامل این قبیل موارد نشود. یعنی يك کلام علاوه کنند که معلوم شود.

ولیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم البته خاطر آقای مصوبی است

که اول بداره ملوری بود که همین ایرادی که حضرت عالی فرموده بودم بود ولی در این صورتی که اخیراً از کبایسون مجلس آمده است این جور چیز ها بیست اشیائی را که باقی مانده است ممنوع کرده است همین است و البته اعلام میکنند و آنها از قبیل مشروبات است پارچه های ابریشمی است از این قبیل چیز ها است نه آئینه و جاروچهل چراغ و این جور چیز ها يك اشیائی است که دولت همین میکند که آنها را در مدت یکسال باید بفروشد و اراج به سمسار و خانه دار هم که فرمودند در کبایسون هم این مذاکره شد همان عملی که دولت همین میکند که آخر سال باید انداخته بشک آن اشیاء را دارند بان محل تحویل بدهند انحصار کسی هم در خانه داشت دارند اگر احتیاج دارند همان محل که همین شده است میفروشند دیگر چه لزومی دارد به - آرو غیره بفروشد.

ولیس - آقای آفر

آفر - آقای مؤید احمدی عرایض بنده را فرمودند

ولیس - آقای ونوق

ونوق - موافقم

ولیس - پیشنهادی از آقای زهرای زهرای رسیده است فرات

بیشود

تفسیر قبل را به ماده ۴ پیشنهاد میکنند:

تفسیر - چادرهای ابریشمی مشکي دادامیکه در ملکات پذیر کتات تهیه نشود از مقررات این قانون معاف و در عداد اجناسیکه ورود آن مجاز است خواهد بود.

ولیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم که بنده ریزوز که این لایحه مطرح بود يك مذاکره ای کردم ولی باینصورت گذشت و البته بنده هم قانع نظرات اکثریت هستم و البته هر چه اکثریت آقوبان تصمیم گرفتند غیر از آن نباید باشد ولسی بنده میخواهم عرض کنم دادامیکه چادر سر زن ها است و غنمای ما احتیاج دارند این را بکلی ممنوع نکنند و جز آنچه گذران این کار مشکلی است و مردم را خیلی زحمت نم اندازد و خورد آقای رئیس کل تجارت هم اینجا

فرمودند برای چادر بانجوسو يك فکری کرده ایم و يك نظری داریم که بآنکه سهیل برای مردم فراهم کنیم و اینجا بنده همسخ کرده ام با ذکر که خود آقای رئیس کل تجارت فرمودند که مقصود ما حمایت از صنایع داخلی است البته با حفظ آن نظر که اگر در ملکات همچو چادری پیدا شد البته چادری را میگرد و با اینکه حمایت دارند از صنایع داخلی کمان میکنند ضرری نداشته باشد که با این موافقت کنند که مردم از این وضع خلاص شوند. الاست بنده که صحبت میکردم مقبر مودند بعد از این قانون که مجلس آمده است بکفوری ارزانی شده - چادر فاق شده است و هشت تومان و این محل احتیاج همه است و میبوشند اگر هم بپندود کرد حالا اگر در توز دیگر تقسیم کنند پارچه دیگر را بک کنند با يك چیز دیگر چادری این بین البته دولت میباید و میگوید البته این چادری این شد ولی امروز بشود حالا برای آسایش حال مردم خوب است ولسی آقوبم سیزده تومان را مردم به چهل تومان بخردند.

آفر - بخرد آنها

ولیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در جواب آقای طهرانی بنده لازم دانستم که در يك کلمه چون اشکاک دارم آرا را اینگونه توضیح بدهم برسانم چون مرادم فرموده اند (چادرهای سیاه) همین دیروز گذشته یکی از تجار بین يك کاغذی نوشته بود که ما در يك چادر را نمیتوانیم مشکي کنیم پارچه های ابریشمی بسیار خوب که برای چادر خوب است و همینطور و برای سایر البسه در یزد و کرمان درست میکنند لیکن مشکي نمیتوانند بکنند در يك سیاه نمیتوانند بکنند (عراقی سیاه بکشند) (آفر - بسیار خوب سیاه باشد) عرض کنم اگر در يك های دیگر باشد خاکسری در يك سفید و گرم و در يك های سوزمه میشود اما در ایران رسانش که نتوانند مثل چادر های اروپایی سیاه بکنند نیست بنده عرض میکنم چه دلیل دارد که چادر سیاه باشد ؟ (چند نفر از نمایندگان - هیچ) بنده تعجب میکنم در کرمان معمول است زنه ای قوچر چادر سفید میبوشند و حالا

نشدیم ام که تقاضای خود بخوان کرده است الساعه یا بنده
 بفرستد بپردد که تقاضای آنجا خود بخوان کرده است که حتما
 باید صادر میاید - یا هر سر کنند (یعنی از ایندانه آن - چرا)
 این ماغذ چادر سیاه از کجاست ؟ الا اینکه این شکل
 چادر سیاهال پوشیده اند . آنچه که بنده نشنیده ام در
 زبان بی مجلس موهول شد که زها چادر سر بکنند و آنها چون
 شماران - ووه بود از این جهت چادر سیاه موهول شد تا باین
 بنده غیبی ام اینست که اگر این قید را بردارد بدینی
 چادر های غیر سیاه بپوشند در ایران رنگهای مختلفه
 درست میشود پارچه های خوب که میتوانند چادر کنند
 خواستم عرض کنم که پوشاک سیاه را باید از میان
 برداشت و آن آبی رنگ باشد شکل بزرگ عرض کنم آقای
 طهرانی ؛ تا بیابارد بکنن بخرند بپوشند و آنچه
 باشد بر طرفین خودشان یک دست نومان بپوشد یک طایفه
 میکنند ؛ لیکن وقتی بود دیگر علاج ندارد آنوقت چادر
 را بکنن بپوشند چادر پنج تروانی بپوشند - و تومانی
 بپوشند و راحت بپوشند بپول یک کسی میکند بخندان
 که است دورشان زیاد میرود چادر های سیاه کران
 و بخرند . (صحیح است) پس بهتر است آقایان
 که اسلا چادر کرب پوشین و اندال آن وارد نمود تا از
 همین چادر های ایرانی و مانی برنگهای مختلف بپوشند
 هر کس بخواهد سرش بپوشد .

طهرانی - بنده پس بگویم .
رئیس - پیشنهاد آقای آقایی دکتر طهرانی رسید
 است .
 مقام منبع ریاست دامت عطفه - پیشنهاد میشود چادر
 عبارت (اجناس و مذکور در ماده اول) اضافه شود ؛ که
 برای فروش اجناس موجود باشد .
رئیس - بفرمایند .
دکتر طهرانی - برای تعیین نظریه که عرض کردم
 و مورد دولت هم موافق است که در ماده اول هم تصریح
 شده است و ملاحظه برای اینکه اجناس موهومه که برای
 غیر از مصرف فروش باشد بعد چهار زحمت نشود باید
 تصریح شود که اگر اجناس موهومه باشد که برای مصرف
 فروش و برای امر تجارت باشد اینها را حتی ندارد دولت
 صادره کند باید تصریح شود .

مخبر - مقصود آقای همین است و این توضیح واضح است
 است بنده هم موافقم ولی چیزی که هست در این عبارت
 (که) تبدیل میشود به (وار) ولی خبر (که) باید
 باشد یک وار هم اضافه شود که اینطور میشود : اجناس
 مذکوره در ماده اول که برای فروش تجارتی است و در
 طرف فلان . این عبارت ممکن است بعد از (که)
 نوشته شود .

رئیس - آقای توفیق پیشنهاد شما را میخواند ولی نظرم
 مربوط باین ماده نیست .
 در ماده دوم بنده پیشنهاد میکنم که سیاه ها که غیر
 اشیاء موهومه و جزو مواد ساده یا بوده باشد و فقط در
 کلبه ایران سیاه های وطنی استعمال شود
رئیس - بفرمایند .

توفیق - بنده در ماده راجع بپوشاک موهوم عرض کردم
 که خود آقای رئیس تجارت هم تصدیق فرمودند و در این
 جا در موردی که داده شده که با فقط سیاه های عطرری را جز
 اشیاء موهومه نوشته اند و در موردی که در داخله ملکات
 چه در تبریز چه در طهران و قزوین و سایر جا ها انواع
 و اقسام سیاه ها را نموده میکنند که حقیقه ملکات بیاز
 میکنند - و بفرمایند .

است از اینکه سیاهون وارد کنند از خارجه باین جهت بنده
 این پیشنهاد را کردم که سیاهونانی را که از خارجه آوردند
 اجناس را برای مصرف صورت بدهند که جزو اشیاء موهومه
 باشد که تا بیکبار فروش برسانند و بعد از آن اگر فروش
 رفت بر آزاری که دولت همین میکند تحویل بدهد . که
 بعدا سیاهون ایران مصرف شود و - ایرونی غیر از سیاهون
 ایرانی فروش نرود .

رئیس کل تجارت - عرض کنم که اقسام سیاهون
 زیاد است - سیاهون طهرانی چون غیر است و دروش و
 طریقات و کارخانجات سیاهون سازی هم برای دفع احتیاج
 سیاهون تهیه میکنند برای انواع و اقسام احتیاجات و بیج
 اجناسی که میخواهد خارجه بفارم حتی اخیراً از اداره کل
 نباتت بیکر داده شده بود که اجازه بدهد و اشیاء آلات این
 مانی بود دیگر داده نشود برای اینکه این دو ماسی که هست
 همینان زیاد میشود و آنوقت این سیاهون ها در داخله
 ملکات مصرف زیاد می آید و اسباب زحمت میشود .
 در انصورت تصدیق بفرمایند که دولت همیشه مراقبت
 خواهد کرد که هیچ نوع سیاهونی وارد نشود و اینها بفرمودند
 در این مورد قید شود اینجا نوشته شد کمان میکند لزومی
 ندانم باشد برای اینکه سیاهون طهرانی است که ممکن است
 فوچانی صرف کند و بکند برای آن فلاش بکنند و الا
 سیاهونایلیکه برای لباس شویی و اینها است کمان میکنند
 فوچانی اینقدر صرف کنند که و اینجا ذکر کنیم با اینجهت
 در صورت گذاشته شده ولی در هر حال در فروش موهوم
 بپوشد است .

رئیس - رای میگیریم بپوشاک موهوم با تصدیق که از
 طرف آقای دکتر طهرانی شد و آقای مخیر هم قبول کردند
 موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
 و امم سوام فرات میشود .

مخبر - در ماده - اصلاحی شده است تقدیم کنم و
 فوچانم بطریقی که اصلاح شده است فرات بفرمایند
 اصلاح فوچانی است یک تبصره ایست اضافه شود .

۱ - هر کس - هر کس بپوشاک یکی از اقداوات ذیل بنده
 به جزای نقدی از پانصد تا دو هزار ریال و یا به حبس
 تا بیست و یک ماه تا بکمال محکوم خواهد شد بپوشاک موهوم
 برای دو سال از حق اخذ جواز ورود محروم خواهد بود
 (۱) - اخذ تصدیق صادر برای مال التجاره که از
 دولت صادر شده است
 (۲) - اخذ تصدیق صادر بپوشاک موهوم مال التجاره
 صادر شده است بپوشاک بیانی یا مامورین کمرک یا مامورین
 (۳) - عینی کردن اجناس موهوم الصادر بپوشاک
 الزورد در بیان اجناس موهوم جز در مواردی که قوانین
 مخصوصه اجازت بپوشاک موهوم کرده باشد که در صورت
 مرکب موهوم همان قوانین مجازات میشود اجناس موهومه
 مشمول این قسمت میشود ضبط میشود
 (۴) - خارج کردن مال التجاره ورودی از کمرک
 باخلاف دولت که بابت آن بیش از مبلغ مذکور در جواز
 ورود باشد بپوشاک بیانی یا مامورین کمرک یا مامورین در
 این مورد . جامل مبلغ اضافی از مال التجاره ضبط میشود
 (۵) - صادر یا وارد کردن جنسی باسم جنس دیگر
 تبصره - در مورد کمرک اجناس مذکور در قسمت (۱)
 و (۲) مشمول ماده (۱۶) قانون متهم قانون انحصار
 تجارت خارجی مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ باشد مرکب
 به اجازات مقرر در ماده دوم زود خواهد رسید
رئیس - آقای دنیا
طهرانی - در خبر کمیسیون عبارت اینطور است
 (به جزای نقدی از پانصد تا دو هزار ریال و یا به حبس
 تا بیست و یک ماه از یک وار یا فلاش محکوم خواهد شد)
 این اصلاحی را که آقای مخیر فرمودند هم جزای
 نقدی است و هم حبس دو هجازات است . بنده
 چنانچه در کمیسیون هم مذاکره شد اصولا
 معتقد نیستم دو مجازات برای این قبیل اشخاص باشد یعنی
 هم جزای نقدی از پانصد تا دو هزار ریال و هم حبس تا بیست
 و بنده عقیده ام این است که همان غیر کمیسیون بهتر

بود که یا از پاسداری مانع از آن باشد و یا جسی نادیده یکی از آنها باشد بهر جهت و بعد هم نوشجوی می خواستم از آن آئی ردی کل تجارت اینجا میبود فقط از جواز ورود محروم خواهد شد اگر مجازات است باید یک مجازاتی باشد که دیگر مرکب نشود جواز صدور امروز امدهش بیشتر از جواز ورود است (بکنند از نماندگان - مشروع است) البته ولی ممکن است یک کسی مبادرت داشته باشد جواز صدور هم داشته باشد بهر بازاره بفرود شده خشن راه میبرد این قبیل اشخاص هم که بران چرام را مرکب شده اند و که غالباً چنانچه این هم که خواهد شد مربوط به دور است از اخذ جواز صدور هم باید محروم باشند

مجلس - در قسمت اول که فرمودند تجارت محظور است که ایشان فرمودند و جسی نادیده است اما در وقتیکه فرمودند از تصدیق صدور هم منوش کنیم منظور این میشود که دیگر صادر نشود در صورتیکه تمام منظور از قانون انحصار تجارت صدور است و بنابراین بفرمودند باید نظر تاجر ملی را از اینجا خارج میکنم و نوعی دولتی تصدیق صدور را بفرورم آنوقت باید کسی بیاید مال را صادر کند تصدیق صدور را بگیرد این تفاوت عمل را هیچکس حاضر نیست و چون کسی نمی تواند جز مایلین صادر کند آنوقت هیچکس صادر نمی کند و این عکس مقصود است و یعنی مامکت است بهلاوه وقتی که تصدیق صدور صادر کرد ولی جواز ورود داده نشود اگر یک ماهه کسی پیدا شود حق یا شاست وای این مورد پیدا نمیکند

ولیس - آقای ماری
طهرانی - عرض کنم که خیال بنده و مناسبت از اینکه این لایحه را آقای یاسالی رفیق محترم بنده آورده اند و بنده از اول تا آخر این لایحه مخالف هستم و هر چایش را می بینم می بینم نمیتوانم واقف کنم عرض کنم که اولاً خود آقای یاسالی این را بیرون میهند که تمام قوانین ما جزائی شده است آب خوردن هم جزائی شده است و این رفیق جزائی شده است و بالاخره این نمیشود ما بایست

قوانین را طوری در مملکت وضع کنیم که اینقدر بهترش برایشان باشد که ما در مقابلش یک قوانین جزائی وضع کنیم و مثل مردم را محکوم کنیم و جسی کنیم و اجبار کنیم این بد است بلکه باید یکسوی ممانعت کرد که نکند باید یک طوری کرد که مردم قوانین مطلق با احتیاجاتشان باشد وضع قوانین مطابق با زندگی مردم باشد که مرکب یک خلایق نشوند که موجب جبر و مجازات بشود و الا عرض کنم که بنده یک مثل مختصری برایشان میزنم : اگر ما در یک بیان خیالی فوق العاده وسیعی چندین کشور ملاحظه داشته باشیم عدد مأمور هم بقدری نداشته باشیم که آنها را حفظ نکند یعنی اینقدر خارج باشد از حیطه اقتدار که نتوانم حفاظت کنیم آنوقت میگویند اگر کسی از آنها بر دارد ما جسی می کنیم اینقدر سرحدات وسیع باشد طول زیاد و وسعت زیاد داشته باشد آنوقت مردم گفته شود اگر کسی از این سنگها بر دات مجازات میشود مردم هم فقیرتر است و بدبخت باشد البته اینها منتهای این است که برود و بر دارد و بالاخره آن کسی که کم که کثیر اقتدار محکوم جسی میشود بدوش هم در باید شما هم بالاخره مقصود نیست بدیگرها رسید ما باید که حفاظت کنید. این مسئله اجناس قاچاق سرحدات و جزایری از آنچنان امکان را هم خودتان تصدیق کردید که خیال مشکل است بعد در این ماده چه چیزی را می نویسد که اگر این یکی از مأمورین دولت معلوم شد بیانی کرده است و اخذ تصدیق کرده است و جنس خارج نکرده و جنس و این را یک مجازاتی برایش قائل شدید آخر آقای این تاجر و کاسب چه جهت دارد شما اگر مأمورین یک خلایف (یاسالی - تاجر هیچوقت این کارها را نمی کند) اجازه بفرمایید آقای یاسالی عرض تمام شود شما اگر مأمورین یک خلایف بکنند جرم مأمور را جرم آنرا می بینیم دیگر نمی کند شما از آن عمل جواز در آن جایگاه جواز تصدیق میدهد یک اشخاص صحیحی اگر داشته باشد که میشود تصدیق خلاف بدهند و همین

در کردار ما مبنی که در کرم می آیند اگر برخلاف قویم کرده یا اگر کسی که در کرم است آخر این طور که میشود همه مردم با این ترتیب رفتار خواهند شد آخر مردم باهم عداوت دارند دوستی دارند دشمنی دارند آن تاجر است مالی را خارج می کند آن دیگری میگوید زاپهر خارج کرده زیاد تر وارد کرده و یک چیزی میگوید که اسباب زحمت دیگری میشود بنده یک پیشنهاد می کنم خودیست یک کاری بکنند اداره تجارت که یک اداره مبادرت و واردات درست کند یعنی خودش صادر کند و وارد کند و خودش بناجر بفرورد بکاسب بفرورد احتیاجات مردم را خودش در نظر بگیرد و وارد کند بد تقسیم کند بین مردم و بگوید بفرورند که دیگر اینها هم قوانین جزائی را ما قدم بقدم برای مردم وضع نکنیم این صلاح نیست بالاخره آقا نباید مملکت را با یک جرس خلایق درست کنیم و همه مردم بیرون میروند و بنده تقیم با این ترتیب

مجلس - قسمتی را که آقا فرمودند که قوانین چرا طوری وضع میشود که مجازات هم ضمیمه میشود بنده تصور می کنم در این قسمت هر قانونی که در دنیا وضع میشود برای متخلف از آن قانون هم یک مجازاتی عده از نمایندگان - آقا اینطور صحبت نیست ما که نمی توانیم.

ولیس - آقا در بیان بنی باشد و صحبت کنید. یک بنده نمی توانم (صحیح است)

مجلس - بلی بفرماید پشت تریبون که همه متساویاً گوش بدهیم دو بدو که صحبت نمیشود کرد.

مجلس - (پشت کرسی خطابه) - آقا فرمودند که چرا قوانین وضع شده است که از برای متخلف که قانون مجازات مینمیشود عرض کنم که در تمام قوانین دنیا یک مجازاتی برای متخلفان هست این صحت عمل شیوه و تردید نیست. آقا می فرمایند مجازات زداست. بالاخره آقا این مجازات از برای کسی است

که قاچاقچی است و مملکت و مجلس شورای ملی مملکت میدانند که قاچاقچی مجازات بشود و البته هم باید مجازات بشود و نظر بنده برعکس نظر آقا است برای اینکه نباید اینطور کرد چرا که قاچاقچی مملکت وارد میکند جزو مردم حساب کرد و این مالی را هم که آقا فرمودند مثل بیابان بزرگ و وسیعی که سنگهای آن از طلاست و چه است و میگویند دست نزدیک همچو مالی با اینجا تطبیق نمیکند قانون اصلاح قانون تجارت هیچ مناسبت با این عمل ندارد اینجا گفته شده است که اجناس را که لازم نداریم و مرفه را نداریم وارد نکنند و هرکس متخلف باشد البته باید مجازات شود پس هیچ مناسبت با آن بیابان بی منتهی نداشت بلکه خیابان است و خیال خیابان خوب و جاده شوسه و صاف است. عرض کنم اینکه فرمودند اگر تانی با مأمور کرم با مقومین بکنند و مأمورین کرم با مقومین غلای بکنند چرا متوجه اشخاص باید بشود بنده تصور میکنم که در ماده مأمور چیزی نیست نوشته شده است بواسطه بیانی با مأمور کرم مقومین البته اگر کسی برود با یک مأمور دولت تانی کند یعنی بپرداز او هم مرکب چهر شده و گذشته از آنکه آن مأمور مطابق قانون و ماده مخصوصی که هست باید مجازات بشود آن شخص هم باید مجازات شود تا مرکب خلایق نشود. (صحیح است)

مجلس - مجازات مأمور متخلف خیلی سخت باید باشد و خوب است.

ولیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - بنده نسبت به مجازاتهایی که در این ماده مقرر شده بود نظر بیانی داشتم ولی مذاکره ای که اخیراً آقای ماری فرمودند بنظر بنده اهمیت دارد چون مطلب اینطور بنظر آمد که صحبت است و حال آنکه صحیح نیست و از نظر نظر مبالغه عدومی باید بحث شود و ناخرم مقتضی نیست (صحیح است) اولاً آقایان نباید توجه بفرمایند که قانون انحصار تجارت مولود وضعیات سخت و مشکلی بود که مملکت برای احیای خودی بان متصل

شد. بنا بر این فرض این قانون و فرض این مملکتی که در آن مملکت باید این قانون اجرا بشود برضی ملت بود. ملاحظه و بیابان و یک چیزهای دیگری صلاح نیست در ممالک هر قانونی بنام مصالح عمومی وضع شد لازم الاجراست. اصل قانون این است که همه کس میدانند بنا بر این باید اجراء بشود تا وقتی که مجلس شورای ملی اجراء آن قانون را لازم بداند باید بشامه حق اجرا شود و متخلف از آن هم چون ندانند با نظر اصل که عرض کردم دارد و بالاخره متر با مصالح عمومی مملکت است که مجلس شورای ملی تشخیص داده بنا بر این باید چه شناخته شود پس در این قبیل مسائل ما نباید بحث کنیم زیرا که این بحث ما ملامت را بر آسمان میکند که مثلا باید در وقت وضع قانون تجارت کرده باشیم و حال آنکه اینطور نیست اما راجع بوضع مجازاتها (آقای رئیس کل تجارت توجه فرمایند) چون همانطور که وضع قانون انحصار تجارت مقرر شد یک اجازت عالی و مهمی بود که عبارت از نجات مملکت و تعادل صادرات و واردات بود و باید اینها را بر علاقتمند بود و بنظر بنده قانچاق این موضوع مهم تر از قانچاق ترابک نیست بلکه مهمترین است برای اینکه قانچاق فریاد یک بیک جزء است ولی این مربوط بیک مایحتاج عمومی است که اگر نسبت بهر کدام قانچاق شود یک ضرری دارد پس باید گفت که تخلف از این قانون یعنی وارد کردن جنس ممنوع ورود و صادر کردن جنس ممنوع الصدور قانچاق است آنوقت دلیل ندارد که ما طرز دیگری بر این آفت مجازات معین کنیم - البته در این حقوقی که در ماده سوم معین شده است اگر ما وقت کنیم همه در حکم قانچاق است و همان مجازات کلی باید در این مورد اعمال شود مثلا جلاصحه بفرمائید جنسی را که وارد کرده است باجنسی که ممنوع ورود یا ممنوع الصدور است انفرادی میزند و نمای میدهند که این جنس مجاز است البته این قانچاق است دیگر تفاوتی با قانچاق ندارد با تبانی کردن با مؤمنین مکرم و مأمورین برای زیاد کردن قیمت جنس این لازمه است

و خزانه مملکتی باشد لذا نمیشود قنیه را شبیه صکر یا پنکونه موارد زسرا که اینجا باید گفت عمل قانچاقی در این مورد با کسی که تصدیق صدور دروغی میگرد کرد چه عمن است اقدام او متر تعادل صادرات واردات باشد ولی باز تطبیق نمیکند با آن قسمت که میگوید ضرورت زین بخرها و عوائد عمومی باشد در هر صورت بنظر بنده اگر آقا موافقت فرمایند که همطور بگذرد بهتر است اما اینکه فرمودند اینگونه اعمال مجازاتی مجازات قانچاق باشد بنظر بنده یک قدری سخت است برای اینکه بنده خیلی موافق با مجازاتهای سخت نیستن و همیشه معروف است که مجازاتهای سنگین و سخت میگوید که من قابل اجرا نیستن زیرا وحشت از برای مرتکب بیشتر تولید می شود و در نتیجه آن بیشتر تعقیبات میکند برای تخفیف مجازاتش اما مجازاتهای ملایم بیشتر قابل اجراء است و اثرش هم بیشتر است و البته این یک منطقی است که ممکن است بااحتیاج و ملاحظه باشد پس اگر موافقت فرمایند که همینطور بگذرد و مجازات هم ملایم تر باشد اول کار هم هست بنظر بنده بهتر است - یک قسمتی را هم در جواب آقای طهرانی خواستم عرض کنم و آن این است که فرمودند مردم بزحمت می افتند. ناچرخ بزحمت می افتد قوانین جزائی است بنده عرض میکنم تا ناچرخ حساسی هیچوقت قانچاق نمی کند و قانچاقی نیست بنده قول میدهم شما که تاجران مردمان شرافتمند هستند (صحیح است) و خیلی کم اتفاق می افتد که یک کسی یک نطفه کارهایایی میکند ما که در عمل مواجه هستیم دیدنمان میدانیم همه مردمایی هستند که فولشان درست است کردار و رفتارشان همه موافق نظامات است (صحیح است) و فوق العاده حالا مأموس شده اند با قانون انحصار تجارت و کلامطبع هستند. اینکه شخصی را ما اصلا مورد مشول این مواد و لواج و قوانین نمیدانیم. صحبت سر این قانچاقی هائی است که در سرحد هستند و قانچاق می کرده اند که اگر کبر افتادند ما اینکار را نمی کنیم.

و خزانه مملکتی باشد لذا نمیشود قنیه را شبیه صکر یا پنکونه موارد زسرا که اینجا باید گفت عمل قانچاقی در این مورد با کسی که تصدیق صدور دروغی میگرد کرد چه عمن است اقدام او متر تعادل صادرات واردات باشد ولی باز تطبیق نمیکند با آن قسمت که میگوید ضرورت زین بخرها و عوائد عمومی باشد در هر صورت بنظر بنده اگر آقا موافقت فرمایند که همطور بگذرد بهتر است اما اینکه فرمودند اینگونه اعمال مجازاتی مجازات قانچاق باشد بنظر بنده یک قدری سخت است برای اینکه بنده خیلی موافق با مجازاتهای سخت نیستن و همیشه معروف است که مجازاتهای سنگین و سخت میگوید که من قابل اجرا نیستن زیرا وحشت از برای مرتکب بیشتر تولید می شود و در نتیجه آن بیشتر تعقیبات میکند برای تخفیف مجازاتش اما مجازاتهای ملایم بیشتر قابل اجراء است و اثرش هم بیشتر است و البته این یک منطقی است که ممکن است بااحتیاج و ملاحظه باشد پس اگر موافقت فرمایند که همینطور بگذرد و مجازات هم ملایم تر باشد اول کار هم هست بنظر بنده بهتر است - یک قسمتی را هم در جواب آقای طهرانی خواستم عرض کنم و آن این است که فرمودند مردم بزحمت می افتند. ناچرخ بزحمت می افتد قوانین جزائی است بنده عرض میکنم تا ناچرخ حساسی هیچوقت قانچاق نمی کند و قانچاقی نیست بنده قول میدهم شما که تاجران مردمان شرافتمند هستند (صحیح است) و خیلی کم اتفاق می افتد که یک کسی یک نطفه کارهایایی میکند ما که در عمل مواجه هستیم دیدنمان میدانیم همه مردمایی هستند که فولشان درست است کردار و رفتارشان همه موافق نظامات است (صحیح است) و فوق العاده حالا مأموس شده اند با قانون انحصار تجارت و کلامطبع هستند. اینکه شخصی را ما اصلا مورد مشول این مواد و لواج و قوانین نمیدانیم. صحبت سر این قانچاقی هائی است که در سرحد هستند و قانچاق می کرده اند که اگر کبر افتادند ما اینکار را نمی کنیم.

(صحیح است) و بنظر بنده حضرت عالی موافقت فرمائید که آن کسی که قانچاق چی است مجازات بشود. عده از نایندگان - مذاکرات کالی است

طهرانی - بنده عرض دارم. توضیح باید بدهم **رئیس** - بفرمائید.

طهرانی - عرض کنم که این جا کویا در عراض بنده می خواستم عرض کنم مثالی که من زدم بنوده طلا مقصود این نبود که حرف تازه زده باشم مقصود این بود که اجناس ممنوع ورود و یک اجناسی که متضررات مملکت است البته وارد نشود و مرتکب قانچاق هم مجازات شود و همانطور که آقای باستانی فرمودند و قوای عالی مملکت توانسته است آنها را که قانچاق می کردند بجای خود بنشانند ولی در همان سرحدات جاهائی هست که خیلی وسعت دارد شاید سرحدات ۸۰۰ فرسخ (مفسر - ۱۱۵۰ فرسخ) و بیشتر است سرحدات خیلی را ملاحظه فرمائید چقدر وسیع است در آن جاها اشخاصی که مرتکب قانچاق میشوند و مرتکب اعمال میشوند و جنس میشود بالاخره آنها هم تبانی ایشان را باید آدم بودند و تربیت میشوند بنده مقصود این بود که مایک همچو قوانین سختی اگر وضع کنیم نمیتوانیم جلوی اش را بگیریم یعنی قوانین خوست در یک حدودی وضع شود که نتواند جلویگری کند از قانچاق یعنی قانچاقی ها نتوانند و قابل نباشند که دیگر قانچاق کنند. (نایندگان - کافی است)

رئیس - آقایان که ما ماده سوم موافقت دارند قیام فرمایند. (اگر قیام نوبند) تصویب شد. از طرف آقایان به بنده پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) پس مذاکره را در این قسمت ختم می کنیم.

[۸- اعلام وصول تقریر بودجه ۱۳۰۹ مجلس]

[۹- موقوف دستور جلسه بعد.. ختم جلسه]

رئیس - لازم است بااستحضار آقایان برسام که اداره مباشرت لایحه تقریر بودجه ۱۳۰۹ مجلس را پیشنهاد

کرده است و بکمیسیون محاسبات فرستاده میشود (صحیح است).
جلسه آتی سه شنبه ۲۶ خرداد ماه سه ساعت
قبل از ظهر ۱۰ دستور تهیه ابواب موجوده ۱۰ در باب
موقع جلسه هم اظهار نظر شده است به بنده تذکر
میدهند که چونت اواخر جلسه ما در کرمان اتفاق

می آید خوبت جلسه ساعت ۸ باشد (صحیح است) ولی
بنده این را مطالعه نمیکنم بیهان ساعت ۹ ولیکن در
پیش آقایان رفقا مامور باشد که همان ساعت ۹ بیایند
و اول وقت حاضر باشند.
(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه مبادله عهد نامه مودت و تجارت و بحر بیامنی منقده بین دولتین ایران و نروژ

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه مودت و تجارت و بحر بیامنی منقده بر سبست پنج ماده
را که در تاریخ هشتم ماه مه ۱۹۳۰ مطابق با ۱۸ اردی بهشت ۱۳۰۹ شمسی بین نمایندگان ایران و نروژ
امضاء شده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده و منتم بهد نامۀ مودت و تجارت و بحر بیامنی منقده بین دولتین
ایران و نروژ است در جلسه هفدهم خرداد ماه یکم هزار و سیصد و یازدهم شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهد نامه مودت و تجارت و بحر بیامنی بین دولتین ایران و نروژ

اعلیحضرت شاهنشاه ایران و
اعلیحضرت پادشاه نروژ

نظر باینکه مایل هستند روابط مودت و صمیمیت را که خوشبختانه بین مملکتین موجود است تحکیم
و روابط تجاری خود را بسط دهند و معتقد هستند که این مقصود بخوبی حاصل نمیشود مگر بوسیله یک عهدنامه
مودت و تجارت و بحر بیامنی که بر طبق اصول حقوق عمومی بین المللی و بر اساس معامله متقابل و تساوی
کامل منقده شده باشد - لهذا برای انجام این مقصود اختیار داران خود را بترتیب ذیل تعیین نمودند:
اعلیحضرت شاهنشاه ایران:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسین خان علاء وزیر مختار ایران در پاریس
اعلیحضرت پادشاه نروژ

جناب آقای فر در یک هار نوبک هرمان و دل پارسیک وزیر مختار نروژ در پاریس مشار الیهما بعد از
مبادله اختیار نامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مواد ذیل موافقت نمودند

(ماده اول)

بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی نروژ صلح دائم و دوستی ثابت برقرار خواهد بود
(ماده دوم)

طرفین متعاهدین موافقت دارند که روابط سیاسی و قونسولی خود را بر روی اساس حقوق عمومی بین المللی
استوار نمایند و نیز موافقت دارند که نمایندگان سیاسی و قونسولی هر یک از طرفین متعاهدین در خاک طرف
متعاقد دیگر بشرط مبادله متقابل از معامله که بموجب حقوق عمومی بین المللی مقرر و بهیچ وجه مادون رفتار
معموله نسبت به نمایندگان سیاسی و قونسولی دولت کامله الزام نخواهد بود بهره مند شوند.

ماده سوم

دولتین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات کلیه عهد
و قرار دادها بیکدیگر منعقد شده یا در آتیہ منقده گردد و منجمه راجع همین عهد نامه بظهور برسد و بطریق دوساله از
جملهای عادی سیاسی در مدت متناسبی کسویه افزود به حکمیت رجوع نمایند این ترتیب در صورت لزوم برای تشخیص

اینکه آیا اختلاف مربوط به تفسیر یا راجع باجری نمود و قرارداد های مذکوره میباشد نیز اعمال خواهد گردید - حکم محکمه حکمیت برای طرفین الزام آورست
برای هر فتنه مبتذغ ایها محکمه حکمیت بنا به تقاضای یکی از دولتمت متعهدین و به ترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت. هر یک از دولتمت متعهدین در ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه حکم خود را که ممکن است از تاریخ ممالک دولتی هم انتخاب گردد تعیین خواهد نمود

چنانچه دولتمت در ظرف مدت سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه راجع بعدی که در ظرف آن حکمین می ساینستی حکم خود را صادر کنند موافقت حاصل نمایند و یا توافقند به تسویه اختلاف در ظرف مدتی که برای آنها تعیین گردیده نایل شوند دولتمت بکنفر از اتباع دولت ثالثی را میتوان حکم نیک انتخاب خواهد نمود چنانچه دولتمت در ظرف مدت دو ماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم نیک راجع با انتخاب او موافقت حاصل ننمایند دولتمت مذکورین مشترکاً با طرف سورتیکه در ظرف مدت دو ماه بعد از آن هم تقاضای مشترکی از طرف آنها بعمل نیاید هر یک از آنها که زودتر اقدام کنند از رئیس دیوان دائمی داوری بین المللی لاجه تقاضا خواهد نمود حکم نیک را از بین اتباع دولت ثالثی انتخاب نمایند. با موافقت طرفین ممکنست سورتی از ممالک دولتی که رئیس دیوان دائمی داوری بین المللی باید حکم نیک را متحصراً از آنها انتخاب نماید بشار الیه تسلیم گردد.

طرفین میتوانند راجع بتخص حکم نیک قبلاً برای مدت مبینی قراری بین خود بدهند طرز عمل که حکمین باید اتخاذ نمایند اگر سوسله قرار مخصوص بین دولتمت مبین نشده و مدتی که از موقع تعیین حکم تجاوز نکنند بمقتضی فتنه باشد بر طبق ماده ۵۹ الی ۸۵ قرار داد لاجه مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به تسویه اختلافات بین المللی قبضه خواهد یافت در سورتیکه مقررات مخالی از طرف دولتمت وجود نداشته باشد
هر گاه تعیین بکنفر حکم نیک لازم گردد و بین دولتمت متعهدین راجع به طرز عملی که بعد از تعیین حکم مزبور باید متعین شود قراری داده نشده باشد حکم نیک با دو حکم اولی تشکیل محکمه حکمیت داده و طرز عمل خوشن را همین بجهت اختلاف را تسویه خواهند کرد. کتبه مصلحت محکمه با کثرت آراء اتخاذ خواهد گردید.

ماده چهارم

(۱) اتباع هر یک از طرفین متعهدین میتوانند بشرط معامله متقابل آزادانه بجز ممالک متعهد دیگر وارد و از آنجا خارج و در آن مسافرت و توقف نمایند با این شرط و تلو تیکه موافق قوانین و نظامات جاریه در خاک مزبور عمل نمایند راجع به تمام مسائلی که مربوط باقامت باشد بشرط رعایت قوانین و نظامات جاریه ممالک متوقف قبلاً از رفتاری که نسبت باتابع دولت کامله الوداد میشود بهره مند خواهند شد.

(۲) با اتباع هر یک از طرفین متعهدین در خاک طرف متعهد دیگر راجع به عملیات تجاری و بحر بیابالی و صنعتی و انتقال به حرف یا مشاغل همچنین راجع به تهلك و اسرف و هر قسم اسرفات مالکانه نسبت باموال و حقوق ممالکیت از هر چه رفتار دولت کامله الوداد معمول خواهد گردید

(۳) تجار و صاحبان کارخانجات و سایر ارباب صنایع تبه یکی از طرفین متعهدین همچنین مسافرن تجاری در خاک طرف متعهد دیگر راجع به عملیات خود و خصوصاً راجع به مالیات و تسهیلات گمرکی که نسبت به مسافره جات بعمل می آید از همان رفتاری که در مورد تجار و صاحبان کارخانجات و مسافرن تجاری دولت کامله الوداد معمول میشود بهره مند خواهند شد

چنانچه آراء تبه هویستی از مسافرن تجاری در خاک یکی از طرفین متعهدین لازم گردد مقررات قرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی بمنفعه در ژنو مورخه سیم نوامبر ۱۹۲۳ باید در این قسمت اعمال گردد ممالک و رزای مقامات قنصلی و با مقامات دیگر مطالبه نخواهد شد.

(۴) - مشارالیه در تحت هیچ عنوانی موظف بتجدید عوارض یا مالیاتهای داخل زیادت را غیر از آنچه از اتباع دولت کامله الوداد اخذ میشود و یا میتوان اخذ نمود نخواهند بود.

(۵) - اتباع هر یک از طرفین متعهدین در خاک طرف متعهد دیگر راجع به حمایت و امنیت کامل و دائم خود و اموالشان از حقوق و مزایاییکه نسبت باتابع داخله مبدول میگردد و باخواهد گردید بشرط متابعت از قوانین و نظامات جاریه ممالک می بهره مند خواهند گردید.

(۶) - ممالک مشارالیه در خاک طرف متعهد دیگر از خدمت نظام اجباری چه در قوای بری و بحری و هوایی و چه در کارمل و چریک معاف خواهند بود و نیز ملزم به پرداخت فرشته اجباری و مالیاتهای مکه بجای خدمت نظامی شخصی و شمع شده نخواهند بود و هم چنین از کابیه و صادرات و مالیاتهای تقاضی معاف میشوند مگر اینکه محمولات مزبور به ان شرائطی که نسبت به اتباع دولت کامله الوداد معمول میگردد نسبت بمشار الیه عمل آید.

(۷) - اتباع هر یک از طرفین متعهدین در تمام خاک طرف متعهد دیگر از آزادی عقیده مذهبی کامله بهره مند و میتوانند باجری مراسم عمومی و خصوصی مذهبی خود را رعایت قوانین و احکام و نظامات ممالک می پردازند.

ماده پنجم

دولتمت متعهدین موافقت دارند که در معاملات متقابل تجاری خود راجع به تصدیق نامه و بدهاء و مقررات بین المللی تسهیل مراسم گمرکی مورخه سیم نوامبر ۱۹۲۳ اعمال شود

تصدیق صحت تصدیق نامه های بدهاء صادره از ادارات گمرکی بایک اطاق تجارت که اختیار قانونی صدور آراء داشته باشد عطا میشود چنانچه تصدیق نامه های مزبوره از مقامات و یا مؤسسات دیگری صادر شده باشد دولتمت که مال التجاره به خاک آن محل شده میتواند تقاضا نماید که تصدیق نامه های بدهاء از طرف نمایندگان سیاسی قنصلی صلاحیت دار خود مقیم محل صدور مال التجاره تصدیق شود تصدیق مزبور بشرط معامله متقابل مجاناً داده میشود

ماده ششم

مکان و انبارها و کارخانجات و دکاکن و کابیه اینبه متعلق باتابع هر یک از طرفین متعهدین را در خاک طرف متعهد دیگر و همچنین کابیه اماکن و ملحقات آنها را مکه برای مقاصد مشروع باشد نمیتوان مورد تفتیش یا معاهده قرار داد و بهیچوجه نمیتوان در این اماکن باهدرت برسدیدگی و تفتیش دفاتر و اوراق و یا محاسبات نمود مگر در تحت شرایط و مطابق با مراسم که به موجب قوانین و احکام و نظامات برای اتباع داخله مقرر است.

ماده هفتم

(۱) برای تجارت و بحر بیابالی بین طرفین متعهدین آزادی کامل و مطلق موجود خواهد بود
(۲) اتباع هر یک از طرفین متعهدین میتوانند آزادانه و باکمال امنیت با کتبه با حملولات آنها در تمام نقاط و بنادر و خطوط قابل کشتی رانی خاک طرف متعهد دیگر که برای بحر بیابالی و تجارت خارجی با خود وبس خواهد

بود با این شرط و تا وقتی که مبادیغ از قوانین و نظامات جاریه مملکتی بماند مسافرت نماید با مباحث الیهم و رفتاری دون رفتاریکه با بیایع دولت کامله الرواد بشود و نخواهد شد.

(ماده هفتم)

طرفین متعاهدین متقبل هستند که عاقبتی در مبادله مال التجاره بین ملکین بوسیله منع و یا بتجدید واردات و صادرات تولید نمایند مملکت طرفین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارند که بمال مذکوره ذیل و تاحدی که ممنوعیت و تجدیدیات ذیل در عین حال شامل کلیه ممالک دیگری باشد که دارای وضعیت مشابهی هستند مستثنیانی نسبت باصل مذکور فوق قابل شوند:

- ۱) ممنوعیت ها یا تجدیدیات مربوط با امنیت عمومی.
 - ۲) ممنوعیها و یا تجدیداتی که بنا بجهت اخلاقی و یا نوع پروری وضع شده باشد.
 - ۳) ممنوعیت ها یا تجدیدیات مربوط بتجارت اسلحه و ذخائر و مهمات جنگی یا در بعضی موارد استثنائی آنچه که بکار جنگ مجزوم.
 - ۴) ممنوعیت ها یا تجدیدیات صادرات که منظور از آن حفظ ذخائر ملی و صنایع مستظرفه یا تدریجی یا آثار عتیقه باشد.
 - ۵) ممنوعیت ها یا تجدیداتیکه بملاحظه حفظ صحت عمومی یا حفظ حیوانات یا نباتات در مقابل امراض و حوام و حشرات طفیلی و ذبیه وضع میشود.
 - ۶) ممنوعیت ها یا تجدیدیات شامل طلا و نقره و اسکناس و اوراق بهادار.
 - ۷) ممنوعیت ها یا تجدیداتیکه بموجب آن محدودات خارجه نیز مشمول رژیم بشوند که در داخله مملکت راجع بتولید و تجارت و حمل و نقل و مصرف محدودات مشابه بل برقرار است.
 - ۸) ممنوعیت ها یا تجدیدیات معموله نسبت بایتمه که تولید یا تجارت آنها در داخله مملکت موضوع انحصارات دولتی یا انحصارات واقع در تحت نظارت دولت بوده یا خواهد بود.
- هیچیک از مواد این عهدنامه بحق هیچیک از طرفین متعاهدین خللی وارد نمیشود که اقداماتی راجع بمنوعیها یا تجدید واردات و صادرات برای حفظ منافع حیاتی مملکت در مواقع فوق العاده و غیر عادی بشنایند.
- هرگاه این قبیل اقدامات اتخاذ شود باید بقسمی اجرا گردد که بالتبجیه هیچگونه تبعیض بلاجموری بشرط طرف متعاهد دیگر نباشد دوام اقدامات مزبور تا وقتی است که غلبه یا کفایتی که سبب ایجاد آنها بوده باقی باشد

(ماده نهم)

۱) اتباع هر یک از طرفین متعاهدین برای استبغای حق خود بمنوان مدعی یا مدعی علیه آزادانه به محاکم طرف متعاهد دیگر دسترسی خواهند داشت مشارالیهم از همان آزادی که برای اتباع داخله موجود است برای انتخاب و استفاده از اشخاص قانون دان و وکلای مدافع و نمایندگان از بین اشخاصی که قوانین محلی برای انتقال باین مشاغل می پذیرد برای استبغای حق خود بمنوان مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محاکم مزبور بهره مند خواهند بود اتباع طرفین متعاهدین برای دسترسی به محاکم طرف متعاهد دیگر ملزم به هیچ قسم شرط یا تقاضائی که شامل اتباع داخله نمیشود نخواهند بود

۲) بدیهی است که مسائل راجعه بوجه الفدائیه مخصوص خارجیا و ارفاق قضائی مجاری و تبلیغ اوراق قضائی

و غیر قضائی و اجرای موضوع تقاضای مقامات قضائی ممالک از مقامات قضائی ممالک دیگر Commission rogatoire و همچنین مسائل راجع باسترداد و مقربین بموجب قرارداد مخصوص بین طرفین متعاهدین تنظیم خواهد کردید در مسائل مربوطه باحوال شخصیه اتباع نرود در ایران و اتباع ایران در نرود تابع قوانین ممالک متبوعه خود هستند

(ماده دهم)

- ۱) شرکتی تجاری و صنعتی و مالی و حمل و نقل و کشتی های بییه و کلبه شرکتهای دیگری که جنبه تجاری و صنعتی داشته و حسب القاعده مطابق قوانین یکی از طرفین متعاهدین تاسیس شده و مرکز اصلی آنها در خاک همان ممالک بوده و تابعیت آن قانوناً در آنجا شناخته شده باشد در خاک طرف متعاهد دیگر نمیتواند حق خود را اجرا نموده و در محاکم تدافع نمایند بشرط اینکه از قوانین و نظامات مملکتی متبایت نمایند
- ۲) شرکتهای نرود مثل همان نوع شرکتهای دولت کامله الرواد حق دارند در خاک طرف متعاهد دیگر مستقر شده و شعباتی تاسیس و به عملیات خود بپردازند که در قوانین ممالک متبوعه همین است اشتغال روزی
- ۳) شرکتهای مزبور پس از آنکه در خاک طرف دیگر پذیرفته شدند راجع به مالیات و حق تمکک و صرف و اجاره اموال منقوله و غیر منقوله از رفتاری که نسبت بهمین نوع شرکتهای دولت کامله الرواد میشود و یا بکن است در آتیه بشود بهره مند خواهند شد.

۴) از شرکتهای مزبور نه در مورد عملیات و نه در مورد اموالشان نمیتوان مالیات ها و عوارض و حقوقی هر اسم و رسم باشد علاوه و یا غیر از آنچه از همان قسم شرکتهای دولت کامله الرواد اخذ میشود دریافت داشت.

۵) شرکتهای یکی از طرفین متعاهدین که در خاک طرف دیگر مستقر گردیده اند نمی توانند مزایای مخصوصی را که در خاک آن دولت که بشرکتهائی که ترقیب عملیاتشان بموجب امتیازنامه های مخصوص همین شده اعطای کرده است در حق خود دعوی نمایند از طرف دیگر شرکت ها و هر یک از طرفین متعاهدین که ترقیب عملیاتشان در خاک طرف متعاهد دیگر بموجب امتیازنامه های مخصوص تعیین شده حق نخواهند داشت مزایائی را که بموجب عهد و قرار دادهای جاریه اعطای شده یا از ترقیب هم نام دولت کامله الرواد ناشی میشود راجع بامتیاز نامه در حق خود دعوی نمایند

(ماده یازدهم)

- ۱) طرفین متعاهدین متقابلاً متعهد میشوند که ممالع دولت کامله الرواد نسبت بیکدیگر در مورد تفریضات بعمل آورند.
- ۲) ممالک هیچیک از طرفین متعاهدین بر طبق مفاد این ماده مقید نخواهند بود ترازوئی امنتهای را که ورود آنها از لحاظ این امنیت عمومی یا دفاع ملی و صحتی و یا بعنوان جلوگیری از امراض مسریه حیوانات و نباتات ممنوع است اجازه بدهد
- ۳) از مال التجاره هائیکه بطور ترازوئی حمل میشود هیچگونه حق مخصوص بابت ترازوئی (امر از ورود یا خروج) دریافت نخواهد شد از مال التجاره های مزبور فقط حقوقی بقدر تخراج نظارت و عوارض اداری ترازوئی مزبور و عوارض بابت ممالاتی که نسبت به این مال التجاره ها در مدت توقف در انبار یا در حین حمل و نقل شده باشد مأخوذ خواهد کردید

۴) در این ماده کلمات (ترازوئی) و (مال التجاره) که منظور ترازوئی حمل میشود) برطبق ماده اول (اسامنامه آزادی ترازوئی) که در کنفرانس بارلون در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۲۱ قبول شده تفسیر خواهد گردید

(ماده دوازدهم)

۱) هر یک از طرفین متعاهدین نسبت بمسائل مربوطه بعمل و نقل اشخاص یا اشباه و مال التجاره در

خاک خود یا بطور ترازیت از خاک خود معابله دولت کاملاً الوداد را نسبت بطرف متعاهد دیگر معمول میدارد. معذلك معابله دولت کاملاً الوداد شامل مزایای خاصی نخواهد بود که یکی از طرفین متعاهدین بتصرفک هائی خارج که عواید برای اداره کردن يك انحصار و عواید بوجوب يك امتياز با از لحاظ مصالح عمومی در خاک آن تشکیل شده است راجع بحمل و نقل مستخدمین و لوازم کار و محصولات آن شرکتها اعطاء نموده یا خواهد نمود.

(۲) هر نوع مال التجاره که مبدأ آن خاک یکی از طرفین متعاهدین بوده و بحدک طرف دیگر وارد شود و در آنجا ملزم به تأدیبه حقوق و رسوایات شهری و عوارض مصرف علاوه بر آنچه از ائمه متشابه دولت کاملاً الوداد اخذ میشود و یا ممکن است درآئیه اخذ شود نخواهد بود.

(ماده سیزدهم)

(۱) محصولات طبیعی یا صنعتی ایران وارده به ترور و محصولات طبیعی یا صنعتی ترور وارده بایران بابت هر قبیل حقوق و مالیات ها و عوارض ورودی از رفتاری باساعت در از رفتاری که نسبت بحصول ولات متشابه دولت کاملاً الوداد میشود و یا ممکن است درآئیه بشود بهر موند نخواهند کردید.

(۲) - محصولات طبیعی یا صنعتی ایران صادره از ایران بقصد ترور و محصولات طبیعی یا صنعتی ترور صادره از ترور بقصد ایران بابت هر قبیل حقوق و مالیات و عوارض صدوری از رفتاری باساعت در از رفتاری صکه نسبت بائمه متشابه صادره بقصد مملکت دولت کاملاً الوداد میشود یا ممکن است در آئیه بشود بهره مند نخواهند کردید.

(۳) - معابله دولت کاملاً الوداد مذکور در فوق طوری تفسیر میشود که شامل رژیم گمرکی و کلیه مراسم گمرکی و درونبک (حقوقی است که از مواد خام وارده بمملکت بطور امانت گرفته میشود که چنانچه همان مواد بصورت ساخته شده از مملکت خارج شود حقوق مزبور مسترد میگردد) و استفاده از ابزارهای گمرکی و تصدیق نامه مبدأ نیز باشد.

(ماده چهاردهم)

(۱) کابیه ائمه که با کشتی های مملکت ثالثی متروعا به بنادر ایران وارده شده و یا ممکن است وارد شود با کشتی های ترور نیز ممکن است به بنادر مزبور وارد گردد بدون اینکه در تحت هیچ عنوانی بپرداخت حقوق و عوارض زیاد تر و یا غیر از آنچه در همان ائمه در صورتیکه با کشتی های مملکت ثالثی وارد شود اخذ میگردد ملزم باشند. متقابله کابیه ائمه که با کشتی های مملکت ثالثی متروعا به بنادر ترور وارد و یا ممکن است وارد شود با کشتی های ایران نیز ممکن است به بنادر مزبور وارد گردد بدون اینکه هیچ عنوانی به پرداخت حقوق یا عوارض زیاد تر و یا غیر از آنچه از همان ائمه در صورتیکه با کشتی های مملکت ثالثی وارد شود اخذ میگردد ملزم باشند این معامله متقابله بلا تفاوت چه ائمه مزبور مستقیماً از مبدأ خود و چه از نقطه دیگر صادر شده باشند رعایت خواهد کردید.

(۲) همچنین در قسمت صادرات از خاک هر یک از طرفین متعاهدین نیز رعایت شایسته کامل وین کشتی های طرف متعاهد دیگر و کشتی های دولت ثالث خواهد شد. بجزارت اخری در خاک هر یک از طرفین متعاهدین از انشای که متروعا از آنجا صادر شده و یا خواهد شد اسم از اینکه صادرات مزبور به کشتی های طرف متعاهد یا با کشتیهای مملکت ثالثی حمل آید همان حقوق داخلی و همان حقوق صدوری اخذ و نسبت به آنها همان جواز و درو باها اعطا خواهد کردید.

(ماده پانزدهم)

(۱) کشتی های تجارتنی هر یک از طرفین متعاهدین که مخالی با با پار داخل بنادر طرف متعاهد دیگر شده و یا از بنادر مزبور خارج می شوند در قسمت بحر بیماهی و هم چنین راجع به محصولات خود از حقوق و مزایا و آزادی و معابله و مصونیت و معافیته که کشتی های دولت کاملاً الوداد و محصولات آنها بهره مند بوده و یا خواهند بود از هر یکیا که حرکت کرده باشند و مقصد آنها هر جا باشد بهره مند خواهند کردید.

(۲) در بنادر هر یک از ممالکین متعاهدین کشتیهای مملکت متعاهد دیگر به ادای هیچگونه حقی بابت ظرفیت کشتی و بندر و راهنمای و فانوس دریایی و قرینله و یا حقوق مشابه و مرادفی از هر نوع دیگر رسم و رسمی که باشد اسم و یا دفع دولت و مستخدمین عمومی و اشخاص مشرقه و شرکتها و هر قبیل مؤسسات دیگر خارج از آن ترتیب و شرایطی که کشتی های مملکت ثالثی در موارد متشابه موظف به پرداخت آن هستند ملزم نخواهند بود.

(۳) راجع به ورود و خروج و توقف و بارگیری و بار اندازی کشتی ها در بنادر و توقفگاهها و نمبر آنها (Dock) و انگرگاه ها و با در خطوط قایل کشتی رانی متناق به هر یک از مملکتین متعاهدین کشتی های مملکت ذک از هیچگونه مزایایی که به کشتی های مملکت متعاهد دیگر نیز داده شده باشد بهره مند نخواهد شد زیرا طرفین متعاهدین مایلند که در این موارد با کشتی های هر یک از آنها رفتاری که نسبت به کشتی های دولت کاملاً الوداد میشود معمول گردد.

(ماده شانزدهم)

ناپت کشتی های مملکتین بر طبق اسناد و تصدیق نامه ای که در این باب از ادارات صالحه طرفین متعاهدین بر طبق قوانین و نظامات خودشان صادر می شود تعیین میگردد.

تصدیق نامه تعیین حجم کشتی و سایر اسناد مربوطه تعیین حجم که از طرف یکی از دولتین متعاهدین صادر شده باشد از طرف دولت متعاهد دیگر بر طبق مقررات مخصوصی که ممکن است بین دولتین وضع شود شناخته می شود.

(ماده هفدهم)

(۱) کشتی رانی مابین بنادر مختلفه (کاپوناژ) وسپدید آبیهای ساحلی هر یک از طرفین متعاهدین از مقررات این عهدنامه مستثنی بوده و مشمول قوانین و احکام و نظامات محلی خواهد بود.

(۲) بدیهی است راجع به کاپوناژ اتباع و کشتی های ترور و در خاک و تصرفات ایران و اتباع و کشتی های ایران در خاک و تصرفات ترور در این مورد از حقوقی که درآئیه کشتی های مملکت دیگر بوجوب قوانین و احکام و نظامات مزبوره ملحوظ بوده و یا بعداً خواهد بود بهره مند نخواهند کردید؛

موارد قبیل کاپوناژ محسوب نمی شود؛

الف - حرکت کشتی ها بین بندر و بندر دیگر خواه برای پیاده کردن مسافرین یا خالی کردن تمام یا قسمتی از بارهای وارده از خارجه و خواه برای سوار کردن مسافرین یا بارگیری تمام یا قسمتی از بارهای که به خارجه حمل می شود.

ب - حمل مسافرینی که دارای بلیطهای مستقیم باشند که در خارجه یا به قصد خارجه داده شده باشد از یک بندر به بندر دیگر و حمل مال التجاره های که با بارهای مستقیم که در خارجه یا به قصد خارجه داده شده باشد

(ماده هیجدهم)

(۱) کشتی های تجارتنی یکی از طرفین متعاهدین که در نتیجه انقلاب هوا و یا به علت مضاررات دیگری اجباراً به بندر طرف دیگر پناهی می برند از آزادان می توانند در آنجا به تعمیرات خود و تهیه آذوقه لازم بابتند نموده و مراجعت نمایند بدون اینکه حقوقی غیر از آنچه کشتی های دولت کاملاً الوداد باید پردازند تأدیبه نمایند مطلقاً چنانچه

ناخدای یک کشتی تجاری مجبور فروش یک قسمت از مجموع کشتی برای مخرجی که منحل شده بشود مقیمه بنا به از نظرات و ترغیبهای جالبه محلی که به آنجا وارد شده می باشد.

(۲) چنانچه کشتیهای تجاری یکی از طرفین متعادلین در سواحل طرف متعادل دیگر به گن نشسته باقر شود مقامات محلی فرزا باید مأمور تسولگری طرف دیگر را که در حوزه مأموریت او قضیه اتفاق افتاده و یا در دیگر مأمور کشتی طرف دیگر را مستحضر سازند

(۳) کشتی بکل نشسته باقر شده و بچایا و متعلقات تمام ملزومات و اشیاء و مالان تجارتی که نجات داده می شود همچنین بکل اشیاء که به دریا انداخته میشود بایست اشیاء مذکوره در صورت فروش و نیز گلیه اورانی که در کشتیهای غرق شده و یا بکل نشسته پیدا می شود به صاحبان آنها منعلق بوده و ممکن است از طریق قانونی و در مدت مناسب بوسیله نمایندگان آنها - در صورتیکه وجود نداشته باشند - بوسیله قسولها از اشخاصیکه اشیاء مذکور را برداشته اند خواسته شود صاحبان کشتیهای مزبور و یا نمایندگان آنها فقط معارف حفظ اشیاء مزبور وهم چنین مجازات دادن وغیره را که در موارد مشابه کشتیهای خود ملکنکی که در سواحل آن کشتی غرق شده و یا بکل نشسته میریزاند نخواهد پرداخت.

(۴) اموال و اتمه که از غرق شدن نجات می یابد از هر گونه حقوق گمرکی معاف خواهند بود مگر اینکه اشیاء مزبور برای مصرف داخلی بکار برده شود در آن صورت تابع حقوق گمرکی عادی خواهد بود
(۵) چنانچه کشتیهای متعلقه به اتباع یکی از طرفین متعادلین در نتیجه انقلاب هوا اجباراً بخلک طرف متعادل دیگر پناه برده و در آنجا بکل نشسته و یا غرق شوند مأمور تسولگری مربوطه دولتی که کشتی تابع آنست در غیاب صاحبان کشتی یا نمایندگان آنها و یا با حضور آنها در صورت تقاضای آنها مجاز خواهد بود برای اعداد لازم و با اذن دولت خود در پیشگاه مقامات محلی اقدام نماید.

(ماده نوزدهم)

هیچیک از مقررات این عهدنامه شامل سائین جنگی طرفین متعادلین که پذیرفتن آنها در آبهای ساحلی طرف متعادل دیگر بموجب قوانین و نظامات جاری همان ملکنک تنظیم می شود نخواهد بود

(ماده بیستم)

(۱) هر یک از طرفین متعادلین نتواند زورال قسولها و قسولها و و پس قسولهای کاپوری و یا قسولهای اختیاری برای توقیف دشمنها و بنادر خلک و تصرفات طرف متعادل دیگر که در آنها همان نوع مأمورین دولتی دیگر عموماً مجاز بر توقیف بوده و یا خواهد بود معین نمایند.

(۲) مشارالیهم بشرط ممانعه متقابل از همان حقوق و احترامات و مفاہیتها و مہویتهایی که برای نمایندگان قسولی دولت کامله الواد شناخته شده بهر مدت می شوند.

(ماده بیست و یکم)

(۱) نمایندگان قسولی طرفین متعادلین و اشخاصیکه مجاز بچنانچینی آنها می باشند هر نوع اختلافاتی را که در دنیا بوقوع پیوسته و یابد بپایند در کشتیهای تجاری ملکنک خودشان بین اخدا و صاحبان و مستخدمین کشتی تولید می شود و همچنین اختلافات حاصله راجع به تسویه محاسبات و اجرای کترانهای استخدای را که بین ناخدا و صاحب متعادلین واقعی کشتی در ضایع طرفین متعادلین متعادل گردیده تسویه می نمایند.

(۲) بجاگم یا مقامات دیگر هر یک از طرفین متعادلین هیچ عنوانی نمیتواند مداخلاتی در اختلافات مذکوره بنماید مگر اینکه آن اختلافات نوعی باشد که نظم و آسایش عمومی را در ساحل و یا در بندر مختل سازد و یا اینکه از اتباع و یا خلیه در اختلافات مزبور ذی مدخل باشد.

(ماده بیست و دوم)

(۱) نسبت به زورال قسولها و قسولها و زورین قسولهای طرفین متعادلین از طرف مأمورین محلی هر نوع کمکی که بتوان قانوناً حمل آورد برای استرداد اشیاء فراری کشتیهای مزبور ببدول خواهد گردید مشروط بر این که فراریان مذکور از اتباع طرف متعادل دیگر باشند.

(۲) برای این مقصود مشارالیهم باید کجا و جوع بمقامات مربوطه مرکزی و یا محلی ننوده و استرداد فراریان را تقاضا نمایند.

مشارالیهم باید با ارائه دفاتر کشتی یا صورت اعضاء کشتی یا اسامی دیگر کشتی و دسودت نهادن عن آنها سواد مستخرج صدق اسناد مزبور، امدال سازند که اشخاصیکه استرداد آنها تقاضا می شود حقیقتاً جزء اعضاء کشتی مزبور می باشند.

بر حسب تقاضای که باین ترتیب می شود هر نوع کمک برای تعقیب و توقیف فراریان مزبور بعد آمد و مشارالیهم بر حسب تقاضای کشتی و بخرج زورال قسولها و قسولها و و پس قسولها و مأمورین قسولگریها در محاسبات ملکنکی نگاه داشته می شوند تا وقتی که برای قسول آندولت موقع اعاده آنها بر وطن خودشان پیش بیاید.

(۳) مدکنک هر که چنین موقعی در عرض مدت دو ماه از تاریخ توقیف پیش باید فراریان مزبور آزاد خواهند شد بدون اینکه مدکنک فراریان آنها را برای همان موضوع توقیف ننود.

(۴) چنانچه شخص فراری در داخل ملکنک متوقف بقیه امر تکب چایا یا جنه شده باشد تسلیم او بقسول یا مأمور قسولگری بآخر خواهد افتاد تا اینکه محکمه صالحه محکم صادر کرده و آن حکم اجرا شده باشد.

(۵) در این است مقررات این ماده شامل اشخاص سفارده بود که بقه ملکنکی می باشند که به آنجا فرار کرده اند.

(ماده بیست و سوم)

چنانچه پس از فوت یکی از اتباع نروز اموالی در داخل ایران باقی مانده یا از یکی از اتباع ایران اموالی در نروز باقی مانده و اشخاص ذوی الحقوق غیر ماموم و باغبان بوده و نماینده نداشته باشند نمایندگان قسولی آندولت حق خواهند داشت تقاضای مهر و موم کلیه اتمیه و اشیاء و کاغذهای قسولی و همچنین برداشتن مهر و موم را از آنها بنمایند؛ نمایندگان قسولی خودشان می تواند به تسویه مالک مبادرت ننوده و یا کسی را معین نمایند که مبادرت باین امر بکند اگر ماموم ذوی الحقوق که دارای تابعیت قسولی باشد وجود ندارد مدخله قسولها بپذیرفته نیست مدکنک متعادلین این ماده بر سب صلاحیت محاکم ملکنکی که اموال در آنجا وجود دارد نسبت مأموری که داخل در صلاحیت محاکم مزبور می باشد نخواهد بود.

(ماده بیست و چهارم)

(۱) هیچیک از مقررات این عهدنامه مانع نخواهد شد که هر یک از طرفین متعادلین مقرراتی در هر موقع برای تنظیم و یا منع مهاجرت بخلک خود وضع نمایند مشروط بر اینکه این مقررات در حکم تبعیضی نباشد که با اختصاص منوجه اتباع طرف متعادل دیگر باشد مقررات این عهدنامه به هیچوجه خللی به حقوق هر یک از طرفین متعادلین وارد نخواهد آورد که اقدات اتباع طرف دیگر را در داخل خود دفع کرده و آنها را مطابق قوانین و نظامات جاری مربوطه به کلیه اتباع خارجه اخراج نماید طرف دیگر تمهید میکند که اتباع خود و تابعین آنها را که به طریق مذکور فوق اخراج شده اند در صورتیکه تابعیت آنها را قسول صلاحیت دار تصدیق نماید به پذیرد حمل و نقل اشخاص اخراج شده تا سرحد ملکنکی که حکم اخراج را صادر ننوده و یا بپایند آن ملکنک که شخص اخراج شده از آنجا سوار کشتی می شود بفرجه ملکنک مشارالیها خواهد بود.

این عهدنامه نه بمقرراتیکه جنبه عمومی دارند و از طرف هر یک از طرفین متعادلین راجع به شرایطی که مطابق آن کارگران خارجه مجاز به انتقال قسولی می شوند وضع شده و یا خواهد شد و نه بمقررات راجع به تذکره ظلی وارد نخواهد آورد.

(۲) مقررات این عهدنامه شامل مزایایی که از طرف نروژ به سوئد و دانمارک و ایسلاند داده شده و یا داده خواهد شد تا وقتی که این مزایا به هیچ دولت دیگری داده نشده باشد نخواهد بود.

(۳) هیچیک از طرفین متعاهدین نمی‌توانند به استناد مقررات این عهدنامه مزایایی را که طرف متعاهد دیگر به دولت همجواری برای تسهیل معاملات سرحدی یا از لحاظ اتحاد کمرکی داده و یا خواهد داد دعوی نمایند.

(ماده بیست و پنجم)

(۱) این عهدنامه به تصدیق رسیده و مبادله نسخ مصدقه آن در اسرع اوقات ممکنه در پاریس بعمل خواهد آمد.

(۲) این عهدنامه از تاریخ مبادله نسخ مصدقه بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و از آن تاریخ نامت پنجسال مجرا خواهد بود.

(۳) چنانچه شش ماه قبل از اقصای مدت پنجسال مزبور هیچیک از طرفین متعاهدین قصد خود را برای فسخ عهدنامه بطرف متعاهد دیگر اعلام ننماید این عهدنامه تا اقصای مدت شش ماه بعد از تاریخ نامت پنجسال مجرا متعاهدین آنرا فسخ نماید دارای اعتبار خواهد بود.

بنام علیهذا اختیار داران طرفین متعاهدین این عهدنامه را امضاء و مهر نمودند.

در پاریس بتاريخ هشتم مه ۱۹۳۰ در نسخین برابرله نوشته شد

اعضاء حسین علاء

اعضاء ودل بارلسبرگ

اجازه مبادله عهدنامه مودت و تجارت و بحریمائی بین دولتین ایران و نروژ بشرح فوق در جلسه ۱۷ خردادماه ۱۳۱۱ داده شده است.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه تبدیل علاقه آب و خاک آبی قوام در شیراز با رقبات خالصه دولت در نقاط دیگر

ماده واحده - وزارت مالیه اجازه داده می‌شود کلیه علاقه آب و خاک آبی آقای میرزا ابراهیم خان قوام واقعه در اهالت فارس را بموجب قباله رسمی با رقبات خالصه دولت از زمین و آب و قنات و غیره واقعه در اشرف و سنان و دامغان و یشابور و کاشان و نورقوزآباد واقعه در غار بمأخذ معادله عوائد آنها (عایدی به عایدی) معاوضه نموده علاقه آب و خاک آبی مزبور را در دفتر رقبات خالصجات ملکنی به ملکیت دولت ثبت کند و رقبات واگذار شدیدا به ملکیت آقای قوام بنساخته در موقع محاسبه هر گاه علاقه یا رقبای امانی عمل شده باشد بهره مالکانه سال ۱۳۱۰ آن ملاک عمل است و هر گاه به اجازه عمل شده باشد مال الاجاره سال ۱۳۱۱ آن چنانچه در نتیجه محاسبه مزبور عوائد علاقه آقای قوام بر عوائد رقبات دولتی مذکوره در این قانون زیادتی داشته باشد وزارت مالیه مجاز خواهد بود بهمان مأخذ سابق الذکر تا میزان ماهه الثناوت از رقبات خالصجات قاسم آباد شاهی ماقبل آباد و علی آباد طابنچ واقعه در غار بر رقبات مفصله سابق الذکر که به ملکیت به آقای قوام منتقل می‌شود بیفزاید. هر يك از طرفین مکلف است املاک و رقبات واگذار را ثبت شده تسلیم طرف دیگر نماید و با آنکه محتاج ثبت آنرا خود به عهده بگیرد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هفدهم خرداد ماه یکم هزار و سیصد و یازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر